

آموزش و عدل

حق داریم؟

اشاره: سلسله مقالات «حق داریم؟» از بایدها و جنبه‌های ایجابی مسائل تربیتی متریبان، که برعهده‌ی معلما

کلامی، و سومی موسیقیایی این استعدادها در صورتی ظهور و بروز می‌کند که زمینه‌ی رشد آن برای همه‌ی کودکان فراهم آید. اگر سیاست فرهنگی کشور در راستایی نباشد که بچه‌ها در هر مدرسه‌ای که هستند، اعم از دولتی، نمونه و غیرانتفاعی، امکان رشد انواع هوش خود را بیابند و توانمندی خود را بروز دهند، این استعدادهای خداداد ضایع می‌شود و جامعه، از نظر علمی، به رکود و سکون می‌گراید.

تربیت روحیه‌ی عدالت‌خواه

با عنایت به این که «عدالت خواهی» در سرشت انسان‌ها نهادینه شده است و دانش‌آموزان در سنین پایین هنوز از این فطرت خدادادی منحرف نشده‌اند، تربیت آنان در این مسیر کار مشکلی نیست. مایه از خودشان است، کافی است که ما معلمان، آن را از قوه به فعلیت درآوریم و به منصفی ظهور برسانیم. این کار در دو مرحله و همگام با هم صورت پذیر است، یکی مربوط به شخصیت معلم است و دیگری کلاس‌داری او.

الف) سهم شخصیت معلم: از آن‌جا که ما، خواه ناخواه، اسوه و الگوی تمام عیار شاگردان خویش هستیم، لازم است خوی عدالت‌مداری در تمامی حرکات و

به‌طور مسلم به تساوی برای آن‌ها هزینه می‌کند تا عادل به حساب آید؛ اما پدری که یک فرزند دبستانی و یک دانشگاهی دارد، باید به فراخور شرایط آن‌ها، به تفاوت برایشان هزینه کند تا عادل به‌شمار آید. به هر حال، خداوند خود را عادل لقب داده و فرموده است: مَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ، او به بندگان هرگز ستم روا نمی‌دارد، هم چنین بندگان را نیز به رعایت عدالت امر فرموده است: اِنَّ اللّٰهَ يامرُكُم بِالْعَدْلِ وِ الْاِحْسَانِ.

منافع و نتایج عدالت

به راستی چرا غرض از آمدن پیامبران و نزول کتب آسمانی، منحصرأ «عدالت» دانسته شده است، محصول تربیت ادیان الهی باید بشری باشد که «قیام به قسط» کند؟^۱ به چه دلیل است که مردم را منتظر قائمی گذاشته‌اند که اصلی‌ترین وظیفه‌ی او «پر کردن جهان از عدل و داد است، بعد از آن که مملو از ظلم و بیداد» شده است؟ مگر عدالت چه تحفه‌ای است؟! آثار عدل محوری برای آحاد جامعه چیست؟

شکوفایی استعدادهای: در نظریه‌ی جدید «هوش‌های چندگانه»، گاردنر، نشان داده است که بچه‌ها ابعاد مختلف هوشی دارند و به یک بُعد محدود نمی‌شوند. بُعد هوشی یکی «ریاضی» است، دیگری

چند معنی و چند کاربرد، برای واژه‌ی «عدل» در کتب فلسفی و کلامی ما دیده می‌شود که به عدل الهی و عدل بشری تقسیم می‌شود. در نهج‌البلاغه‌ی شریف، در تعریف عدل می‌خوانیم: هر چیزی را در جای خود نشانیدن (العدل یضع الامور مواضعها). به این صورت، عدل خداوندی؛ یعنی او هر چیز و هر کس را در جایگاه بایسته و شایسته خود قرار داده است، به گونه‌ای که حق هیچ‌کس ضایع نمی‌شود. عدل الهی در سه جلوه‌ی تکوین و آفرینش، تشریح و قانون‌گذاری و جزا و رسیدگی نهایی به اعمال، ظهور می‌کند.

عدل بشری یا عدل اجتماعی، عبارت است از رعایت حقوق افراد و اولویت‌ها. ظلم عبارت است از پامال کردن حق و حقوق دیگران و تجاوز به منافع و اولویت‌ها و استحقاق‌های آنان. برای مثال: کسی که زمین بایر و رها شده‌ای را دایر و آباد می‌کند، حق و اولویت دارد که با کار بر روی آن ارتزاق کند. بعضی به اشتباه، عدل را به معنی تساوی گرفته‌اند و عادل را کسی می‌دانند که تفاوتی بین افراد جامعه نگذارد. عدل به معنی تساوی، فقط جایی کاربرد دارد که استحقاق‌ها و اولویت‌ها مساوی باشد. پدری که دو فرزند همسال دبستانی دارد،

الت خواهی

محمد حسن مکارم

ن و مربیان است، سخن می گوید. از این رو در این مقاله به بحث «آموزش و عدالت خواهی» پرداخته شده است.

سکناات ما در کلاس و محیط مدرسه مشهود باشد. سر وقت به کلاس برویم؛ از وقت کلاس استفاده می‌نماییم؛ پرسش شفاهی ما همه را دربرگیرد؛ دانش‌آموزان ضعیف را از نظر آموزشی بیش‌تر حمایت کنیم؛ در تصحیح ورقه دقت کافی به خرج دهیم. در غیر این صورت احتمالاً برای سؤال واحد به یک دانش‌آموز نمره‌ی بیش‌تری، و به دیگری که همان مقدار پاسخ داده، نمره‌ای کم‌تر داده‌ایم؛ حق تقاضای تجدیدنظر نسبت به برگه‌ی امتحانی را برای دانش‌آموز فراهم آوریم؛ در مواردی که دانش‌آموز نمره‌ی خود را باور نمی‌کند و اعتراض شدید دارد، امکان بازدید برگه‌ی امتحانی را پس از تصحیح، برای او فراهم آوریم... این‌گونه رفتار، معلم را در چشم شاگرد ملکه‌ی عدالت و انصاف جلوه می‌دهد و او را به الگوگیری از معلم ترغیب می‌کند.

ب) سهم کلاس‌داری معلم: در این مرحله، معلم، شاگردان را به تمرین خلق عدالت خواه می‌دارد، به طوری که بچه‌ها، در محضر معلم خویش، پرورش روحیه‌ی عدالت خواهی را در خود تجربه می‌کنند.

فعالیت گروهی زمینه‌ی خوبی برای این کار است؛ مثلاً اگر اعضای کلاس به تیم‌های چهار نفره تقسیم

شده باشند، یک نفر سرگروه برای هر تیم انتخاب می‌شود، کارها را بین اعضا تقسیم می‌کند، از آنان درس می‌پرسد، امتحان می‌گیرد، و آن‌ها را ارزش‌یابی و در ورقه‌ها تجدیدنظر می‌کند و تمامی آثار عدالت‌گرایی را که در معلم دیده، به‌طور عملی به اجرا درمی‌آورد. معلم نیز مراقب عملکرد سرگروه‌هاست، چنان‌چه قضاوت ناعادلانه کردند، یا رفتار تبعیض‌گونه نسبت به اعضای گروه خود روا داشتند، آنان را پرهیز می‌دهد. پس از یک ماه سمّت سرگروهی را به عضو دیگر گروه واگذار می‌کند. با این روش، در طول سال، هر دانش‌آموز دوبار و روی هم دو ماه تمرین سرگروهی عدالت محور می‌کند.

منظر دین

اسلام نه تنها به عدل و عدالت خواهی تأکید تام کرده بلکه اساساً نظام ارزش را دگرگون ساخته است. به گفته‌ی شهید مطهری، اسلام ارزش‌هایی مانند تقوا و عدالت را که در جامعه‌ی آن روز در حد صفر بود، فوق‌العاده بالا برد، و ارزش‌هایی را که فوق‌العاده بالا بود، مانند خون و نژاد، به حد صفر رساند*.

در قرآن کریم علو درجه‌ی تقوا و عدالت و قربابت این دو را

می‌بینیم، آن‌جا که می‌فرماید: «اعدلوا هو اقرب للتعوی»^۱. امیرالمؤمنین (ع)، شارح قرآن مجید، بحث مفصلی در نهج البلاغه درباره‌ی لزوم عدالت در حکومت اسلامی، تبیین فرموده است.

فرد نکته‌سنجی از او می‌پرسد: «جود و سخاوت» بهتر است یا «عدل»؟ امام (ع) عدل را به مراتب ترجیح می‌دهد و در مقام تحلیل می‌فرماید: عدل باعث می‌شود کارها در جریان طبیعی خود قرار گیرد، اما جود آن را از این مسیر بیرون می‌برد. عدالت قانونی عام و فراگیر است؛ اما بخشش حالتی خاص و استثنائی^۲.

اگر عدل در جامعه گسترده شود و آثار آن هدیه شود، دیگر نیازی به جود و بذل و بخشش‌های موردی و خاص پیش نمی‌آید.

در یکی از خطابه‌های خویش، در تکریم عدالت‌محوری، بانگ برمی‌آورد که: «فان فی العدل سعّه، و من ضاق علیه العدل، فالجور علیه اَضیق»، عدالت می‌تواند همه را دربرگیرد، کسی که تحمل اجرای عدل را ندارد، مسلماً تحمل ظلم و جور برایش مشکل‌تر است.

امید است ما معلمان نیز رسالت خود را در احیای عدالت و گسترش روحیه‌ی عدالت‌محوری در میان نونهالان جامعه بزرگ شماریم.

زیرنویس

۱. سوره حدید، آیه‌ی ۲۴.

۲. نهج البلاغه‌ی فیض، حکمت ۴۲۹.

منابع

* مطهری، مرتضی. سیری در نهج البلاغه، مقاله‌ی حکومت و عدالت، نشر دارالتبلیغ اسلامی.